

# ابراهیم رئیسی و تکرار ”جراحی اقتصادی“

شہلا دانشفر

ابراهیم رئیسی که به او رئیس جمهور جلاد میگویند، به راستی نقش کلیدی ای در سفت کردن پایه های جمهوری اسلامی در همان آغاز کارش داشته و امروز هم برای نجات نظام جهنمی ای که به پا کرده اند از چنگ مردم معترضی که برای پایان دادن به عمر آن ثانیه شماری میکنند، کمر بسته است. رئیسی در سال ۶۷ یعنی در زمان نوشیدن جام زهر توسط خمینی جنایتکار برای پایان دادن به جنگ ویرانگر هشت ساله ایران و عراق که ثمره ای جز شکست برایشان در پی نداشت، و از وحشت سربلند کردن اعتراضات مردمی که بار سنگین جنگ به گرده آنها سوار شده و معترض بودند، به عنوان عضوی از کمیته مرگ از سوی خمینی انتخاب شد تا با کشتار بیرحمانه، مردم

را سرجایشان بنشانند و پایه های حکومت را محکم کند و او این کار را کرد. اکنون با جلو آمدن هر روز قدرتمندتر جنبش سرنگونی و بدنبال خیزش های مردمی و خیزش آبان ماه برای جارو کردن بساط جهنمی این حکومت و در مقطعی که فریاد "آبان ادامه دارد" رسا و قدرتمند بلند است، رئیسی باز به میدان آمده تا راه گریزی برای نظامش پیدا کند تا بلکه چند صباحی بیش دوام پیدا کنند. او رئیس جمهور حکومتی است که به لحاظ اقتصادی ورشکسته، به لحاظ سیاسی در منگنه خشم و اعتراض جامعه و در سطح بین المللی در انزوا قرار دارد. او رئیس جمهوری است که در هراس از دچار شدن به سرنوشت حمید نوری جلاد که دادگاهش در اروپا در جریان است،

و نیز داغ شدن گفتمان بر سر محاکمه سران حکومت و به راه افتادن دادگاه بین المللی آبانماه و همینطور به میدان آمدن جنبش برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است، پشت کرونا پناه گرفته و از مردم در داخل و خارج فراری است و ناگزیر به لغو سفرهایش به کشورهای جهان میشود.

بنابراین همانطور که اشاره کردم یک معضل اساسی جمهوری اسلامی و رئیس جمهورش رئیسی ورشکستگی اقتصادی رژیم است و گزارش منتشره شده اخیر سازمان برنامه و بودجه که در مرداد ماه تهیه شده بود، بیان این حقیقت با آمار و ارقام بود. در چنین شرایطی است که بیش از پیش مساله اقتصاد

و معیشت به مساله سیاسی روز و جدال مردم با کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم تبدیل شده است. طرح "جراحی اقتصادی" رئیسی پاسخ جمهوری اسلامی به این شرایط در برابر مردمی است که بر ادامه آبان میکوبند. در رابطه با این طرح ابراهیم رئیسی در نشستی تحت عنوان بررسی مشکلات اقتصادی تهران با جمعی از نمایندگان مجلس اسلامی و استاندار با اشاره به مشکلات پیش روی دولت میگوید: اگر نجات اقتصاد کشور از وضع کنونی نیاز به چند جراحی بزرگ داشته باشد، شخص بنده و دولت سیزدهم از هزینه کردن توان و آبروی خود در این مسیر دریغ نخواهیم کرد.

طرح "جراحی اقتصادی" طرح آتش زن به خشم

## و اعتراض مردم

جراحی اقتصادی در جمهوری اسلامی سیاست تازه ای نیست. در دوره احمدی نژاد این سیاست را با هو و جنجال به جریان انداختند و با سر شکستگی به اینجایی رسیدند که اکنون شاهدیم. اکنون جمهوری اسلامی و باندهای مافیایی حاکم بر آن که دزدیهایشان را انجام داده و غارتگری هایشان را کرده اند، چیزی برای بقای جامعه باقی نگذاشته اند. و امروز نیز مثل اختاپوس بر سر منابع ثروت جامعه خوابیده اند و باندهای مافیایی تا دندان مسلح حکومتی هر کدام از بخش و غنایم خود دفاع میکند و در این میان خزانه به ته کشیده را به مردم نشان میدهند. در چنین شرایطی

است که بخش های مختلف حکومتیان از ترس سربلند کردن دوباره خیزش های مردمی به جان یکدیگر افتاده و در برابر مردم به تناقض گویی افتاده اند. از جمله گزارش سازمان برنامه و بودجه در مرداد ماه در اواخر دولت روحانی تهیه شده است. اما امروز در میان نزاعهای درونی شان نوبخت رئیس این سازمان در آن مقطع خالی بودن خزانه را مورد تکذیب قرار میدهد.

در چنین شرایطی است که رئیسی نیز با طرح "جراحی اقتصادی" به میدان آمده است. رئیسی به سیم آخر زدن حکومت برای چپاول مردم و تعرضات گسترده تر به زندگی و معیشت کل جامعه است. رئیسی با گفتن

اینکه برای نجات "اقتصاد کشور" از هزینه کردن توان و آبروی خود دریغ نخواهد کرد، در واقع اعلان جنگ به مردم داده است. اما نتیجه محتوم چنین سیاستی در قبال جامعه ای که آرام و قرار ندارد، محتوم است. از جمله جنبش کارگری با اعتصاباتش، با تجمعات هر روزه اعتراضی اش دارد پاسخ رژیم اسلامی و چپاول و دزدی و سروربگری هایش را میدهد.

یک مثال در مورد طرح "جراحی اقتصادی" رئیسی بحث های این دولت حول مساله دستمزدهاست. به آخر سال نزدیک میشویم و بحث داغ بر سر تعیین دستمزد سال آتی کارگران است. رئیسی در همان جلسه با نمایندگان مجلس و استاندار تهران در ادامه



بحث جراحی اقتصادی تحت عنوان اصلاح ساختار بودجه با رویکرد اجرای "عدالت" از احتمال افزایش حقوقها به شکل "پلکانی" سخن گفته و همانجا با اعلام اینکه دولت هیچ وعده‌ای نخواهد داد که قابل تحقق نباشد، آب پاکی روی دست کارگران و کل حقوق بگیران جامعه ریخته و عملاً دارد از انقباض سطح کنونی دستمزدها آنهم در شرایط رشد نجومی قیمت‌ها خبر میدهد. در همین رابطه مسعود میرکاظمی رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت رئیسی بیشرمانه تحت عنوان اینکه افزایش دستمزدها برای مردم تورم ایجاد کند، بر سیاست افزایش "پلکانی" دستمزدها برای سال آتی تاکید میکند. و بعد در حالیکه قیمت همه کالاها سرسام آور افزایش می یابد.

قیمت آب، برق و اولیه ترین اقلام زندگی را چندین برابر افزایش داده اند و خودشان از افزایش نرخ تورم ۳۰ درصدی و ۵۰ درصدی سخن میگویند، وقتی نوبت قیمت مزد نیروی کار کارگر میشود از اینکه افزایش آن نباید موجب رشد تورم شود میگویند.

به عبارت روشنتر تحت عنوان افزایش پلکانی دستمزد و احتمال افزایش حقوقهای پایین البته "اگر منبع مالی اش فراهم باشد"، دارند عملاً زیر آب تعیین حداقل دستمزد سراسری کارگران را میزنند تا با این دسته بندیها و ایجاد پراکندگی در بخش های مختلف کارگری و همچنین کارکنان دولتی زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه را بیش از قبل مورد تعرض

قرار دهند. این یک قلم مهم از طرح "جراحی اقتصادی" رئیسی جلاد است که حاضرست آبرو و حیثیت نداشته خود را پای آن بگذارد تا بلکه نظام به گل نشسته خود را تکان کوچکی دهد. و این تمام رسالت اوست. روشن است که در برابر این طرح کارگر و جامعه آرام نخواهد نشست. از جمله همین امروز جنبش برای خواست افزایش دستمزدها یک جنبش قوی در ایران است. این جنبشی است که علیه فقر به پا خاسته و کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های وسیعی از حقوق بگیران جامعه نیروی عظیم این جنبش هستند و همین امروز یک مطالبه سراسری هزاران کارگران نفت خواست افزایش دستمزدهاست و همواره تاکید کرده اند که دستمزد هیچ کارگری نباید

از خط فقر ۱۲ میلیونی کمتر باشد.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی حکومتی است که خود دارد از ورشکستگی و استیصالش سخن میگوید. حکومتی است که حتی برای پرداخت دستمزد ماهانه کارگران و حقوق بگیران دولتی درمانده است. به هرگوشه جامعه که نگاه میکنید بن بست و استیصال آنها میبینید. در آمارهایشان دارند از خط فقر بالای ۱۲ میلیون و ۲۶ میلیون مردمی سخن میگویند که در خط فقر مطلق زندگی میکنند. دارند از اینکه ۴۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر خط فقر مسکن هستند خبر میدهند و بیکاری بیداد میکند و آمارها از افزایش هر روزه نیروی بیکار بیشتر به جمعیت چندین

میلیونی بیکاری خبر میدهند. همانطور که قبلا نیز اشاره کرده ام تبعات اجتماعی همه اینها بنا بر آمارهای خود حکومتیان اضافه شدن به شمار چند میلیونی کودکان محروم از تحصیل و کودکان کار و خیابان، افزایش تن فروشی و پایین آمدن سن تن فروشان بخاطر فقر و گرسنگی است که ابعاد فاجعه باری بخود گرفته است و در کنار همه اینها کشتار جمعی مردم بخاطر شیوع کرونا و رها کردن مردم در کام این بیماری بدون هیچگونه اقدامات پیشگیرانه و در بی تامینی مطلق جامعه را به مرز انفجار رسانده است.

اما در برابر این ابعاد از فقر و فلاکت و توحش سرمایه داری چپاولگر حاکم جامعه ایستاده

است و دارد از زندگی ای شایسته انسان سخن  
میگوید. از ادامه آبان و پایان دادن به جهنم  
جمهوری اسلامی سخن میگویند. و امروز همه  
شواهد از جمله اعتصابات گسترده کارگری و  
فضای پر تلاطم جامعه با گفتمان های رادیکال  
و چپ و کارگری نوید بخش جامعه ای شاد و  
انسانی بر ویرانه جمهوری اسلامی است.

۴ نوامبر ۲۰۲۱

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام